

## راهبری اعتراضات؛ راه‌حل‌ها و بایسته‌ها

### هسته افکار عمومی و تغییرات فرهنگی مرکز رشد دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

#### مقدمه:

به اذعان بسیاری از تحلیل‌گران و آنچه در فضای عمومی جامعه می‌توان مشاهده نمود شرایط سخت اقتصادی طی سالهای گذشته فشار بی‌امانی را به طبقه‌های مختلف جامعه وارد کرده است. در کنار این مساله احساس تبعیض در ساحت‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در بخشی از جامعه باعث بی‌اعتمادی، ناامیدی و احساس شنیده نشدن صدای آن‌ها از سوی حاکمیت را دربرداشته است. به همین دلیل نیز طی حداقل ۵ سال گذشته سه اعتراض گسترده را در جامعه ایرانی تجربه کرده‌ایم که اعتراضات ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ با زمینه‌ی کاملاً اقتصادی و اعتراضات ۱۴۰۱ با سویی فرهنگی اجتماعی شکل گرفت. هرچند که در هر سه مورد از اعتراضات با حضور رسانه‌های معاند و جریان-سازی‌های شکل گرفته توسط دشمنان بیرونی، بخشی از بدنه‌ی اعتراضی به اغتشاش و رادیکالیسم کشاند، اما در صورت فقدان زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه، برنامه‌ریزی‌های دشمنان که به طور عمد در فضای رسانه‌ای نیز شکل گرفت نمی‌توانست گروهی از جامعه را با خود همراه کند. به همین جهت در بررسی نارضایتی‌ها و اعتراضات عمومی توجه به زمینه‌ها و علل داخلی در کنار دخالت‌ها و شرارت‌های بیرونی باید مورد توجه قرار گیرد. از همین رو آنچه از منظر افکار عمومی و جامعه‌شناختی مورد اهمیت است شناخت این زمینه‌ها و تلاش برای رفع بخشی از این نارضایتی‌هاست. در غیر این صورت بایستی هر از چندگاهی شاهد اعتراض بخشی از جامعه و موج-سواری و استفاده رسانه‌های بیگانه و دشمنان خارجی از آن در فضای کشور باشیم. این مدعا توسط هسته افکار عمومی پس از اعتراضات ۱۳۹۸ نیز در قالب گزارشی که توسط هسته افکار عمومی مرکز رشد دانشگاه امام صادق منتشر گردید در تحلیل اعتراضات ۹۶ و ۹۸ بیان شد که «این دو اعتراض اگرچه تا حدودی انرژی و فشار اعتراضی مردم را تخلیه کرده است اما همچنان تصور شنیده شدن اعتراض و اثرمندی اعتراض که مقدمه‌ای برای گفتگوی متقابل می‌باشد، مهیا نشده است. به همین ترتیب فضای جامعه به سمت اعتراض پیش می‌رود، اعتراض‌هایی که بر دو قطبی‌سازی و شکاف‌های اجتماعی می‌افزاید و اگر مجرای برای تحقق و ترتیب اثر دادن اعتراضات تعیبه نشود اثرات نامطلوبی بر روح و پیکره جامعه می‌گذارد.» بروز اعتراضات ۱۴۰۱ حداقل در روزهای اول بیانگر شکل‌گیری و تداوم

همین دو قطبی شدن بود. دو اعتراض ۹۶ و ۹۸ با سویه‌های اقتصادی پدید آمد و در اعتراض ۱۴۰۱ که با سویه‌ی فرهنگی و اجتماعی شکل گرفت می‌توان احساس تبعیض را در طبقات مختلف با ادله و علل متفاوت و متمایز هر گروه به وضوح مشاهده نمود. این احساس هرچند که در لایه‌های اقتصادی به صورت عینی‌تر قابل رویت است و رفع آن به بهبود شرائط اقتصادی و بهره‌مندی طبقه‌های مختلف از رفاه عمومی وابسته است، اما همه آنچه با عنوان تبعیض از آن یاد می‌شود در این حوزه خلاصه نمی‌شود. اساساً نگرش و ادراک افکار عمومی به این مساله دارای درهم تنیدگی در مسائل مختلفی است که نهایتاً یک قضاوت عمومی نسبت به احساس تبعیض در جامعه را شکل می‌دهد. بخشی از این احساس تبعیض دیده نشدن و شنیده نشدن است. گو این که برای گروهی از جامعه، عدم توجه، عدم گفتگو، عدم تعامل بی‌واسطه و عدم به رسمیت شناختن اعتراض‌ها توسط حاکمیت، زمینه نارضایتی و تبعیض را فراهم آورده است.

در کنار راهکارهایی که در حوزه اقتصادی و سیاسی مطرح می‌شود، به نظر می‌رسد در مقطع کنونی، اصلی‌ترین حوزه‌ای که می‌توان برای برون رفت از وضع موجود و جلوگیری از آسیب‌پذیری نظام مطرح کرد، مدیریت اعتراض در سطح کشور است.

اصل اعتراض در جوامع باعث جلوگیری از رادیکال شدن سطح دیدگاه‌ها در فضای سیاسی می‌شود و گفتگوپذیری جامعه برای حل مشکلات‌شان را افزایش می‌دهد. امری که در طولانی مدت منجر به افزایش مشارکت سیاسی مردم خواهد شد. برای توصیف وضعیت وابستگی مردم در جوامع و سازمان‌ها یک دوگانه وجود دارد: خروج یا وفاداری. مردم یا به آرمان‌های سازمان/نظام وفادار هستند و به فعالیت در آن ادامه می‌دهند یا از سازمان/نظام خارج می‌شوند. در کنار این دو راه یک راه سومی نیز مطرح می‌شود به نام اعتراض که راهی است به مثابه وفاداری برای بهبود شرایط موجود. اگر سازمان راه اعتراض را برای بهبود شرائط باز نکند طبیعتاً افراد راه خروج از سازمان را پیش می‌گیرند. لذا بهتر است که سازمان برای اینکه وفاداری افراد داری اثر تلقی شده، حفظ یا حتی بیشتر شود، اصل راه اعتراض را باز گذارد. اصل اعتراض مطلقاً باید به رسمیت شناخته شود، هرچند پس از اعتراض، قانون و حقوق اشخاص و نهادها و اصل نظام هم محفوظ است و ممکن است در قبال «معترض» اعمال گردد. در سال‌های اخیر نیز راهبرد منطقی و دقیق برای مواجهه و تحقق اعتراض امن که به سود حاکمیت و شهروندان است طراحی نشده است. بدین منظور این گزارش

در تلاش است برای مدیریت اعتراض امن در فضای کشور سه دسته پیشنهاد کارساز و عملیاتی اعتراض نخبگانی، اعتراض رسانه‌ای و اعتراض میدانی را ارائه کند.

## ۱. اعتراض نخبگانی

از آنجایی که نخبگان در هر جامعه از سویی به پشتوانه‌ی بدنه‌ی اجتماعی خود، مجرای ترویج ایده‌های نو و نوآوری‌های اجتماعی هستند و از سوی دیگر توانایی گفتگو و مفاهمه با ساختار قدرت (قوای سه گانه یا نهادهای قدرتمند دیگر نظیر رسانه) را دارند، واسطه‌های بسیار مناسبی برای برقراری گفتگو میان حکومت و مردم و ایجاد فضای «اعتراض امن» در جامعه هستند، چرا که ویژگی اصلی اعتراض نخبگانی، اعتراض برای ایجاد تضارب آرا است و نه اغتشاش و ناآرامی.

به بیان دیگر، هرچه اعتراض از سطح نخبگانی به سطح توده‌ای منتقل شود، میزان آثار مخرب آن بیشتر و قابلیت دستکاری و کنترل از سوی نیروهای برانداز و ضدملی بیشتر می‌شود، چرا که ویژگی حرکت‌های توده‌ای ابتناء بر احساسات و خشم است و نیروهای بیگانه می‌توانند به راحتی این خشم خطرناک را جهت دهی کرده یا با نفوذ به راحتی خود را به بخشی از توده تبدیل کنند. اما در اعتراض نخبگانی از آنجا که فرد معترض به واسطه‌ی سابقه و اعتبار خود و همچنین میزان بدنه اجتماعی خویش وارد فضای گفتگو می‌شود، معمولاً تمایلی برای تخریب فضای گفتگو ندارند؛ چرا که قدر گفتگو را می‌دانند و اثرگذاری آن را در تجربه دیده‌اند. برعکس، توده‌های خشمگین تمایلی به گفتگو و حل و فصل مشکلات به صورت نرم ندارد چرا که اثری از آن نمی‌بیند. اما هنگامی که متوجه اعتراض و مطالبه‌ی یکی از نخبگان شوند، و سپس اثرگذاری آن در تصمیمات را مشاهده کنند، به اصلاح امور و آینده امیدوار می‌شوند.

می‌توان مزیت‌های سه گانه‌ی اعتراض نخبگان را در موارد زیر خلاصه کرد:

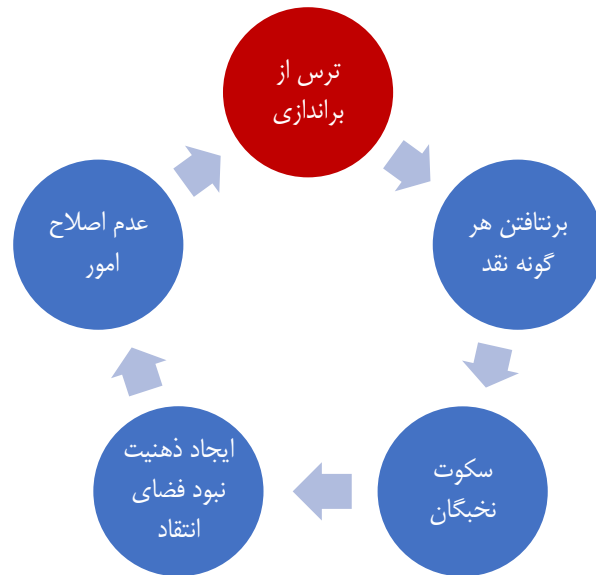
۱. اعتراض نخبگان نرم و از طریق گفتگو است؛
۲. در حاکمیت و مدیریت کشور اثرگذار است؛
۳. این اثرگذاری می‌تواند به شدت حامیان و همفکران این نخبگان را در کشور به اصلاح امیدوار کند.

## ۱.۱ دور باطل

به دلیل حجمی فراوان جریان‌هایی با عنوان «براندازی»، ترس از تلاش برای سقوط نظام به یک ترس همه گیر تبدیل شده، و نه تنها نیروهای امنیتی (که وظیفه‌ی آن‌ها مقابله با چنین جریان‌اتی است)، بلکه در نیروهای مردمی نیز نفوذ کرده، و از این رو با بسیاری از نقدهایی که بعضاً به عملکرد نظام وارد است نیز با دیده‌ی تردید نگریسته و به راحتی برچسب ضد نظام را به منتقدینی که بعضاً دلسوز نظام نیز هستند وارد می‌آورند.

این جریان باعث شده است که بسیاری از منتقدین دیگر که متوجه مشکلاتی در اداره‌ی امور کشور شده اند و راه حلی برای آن نیز دارند از بیان ایده و طرز فکر خود منصرف می‌شوند. در نتیجه جریان سومی که از ابتدا دل خوشی از نظام و انقلاب اسلامی نیز ندارد، به این باور می‌رسد که در کشور زمینه و فضای نقد و اعتراض وجود ندارد، چرا که «نمی‌گذارند!» و لذا از اصلاح امور به کلی ناامید شده و زمینه برای دست زدن به کنش‌های رادیکال نظیر آشوب ایجاد می‌شود.

در صورتی که فضای نقد در بستر گفتگوی نخبگانی شکل گیرد، هم به دسته‌ی اول اثبات می‌شود که امکان نقد با نیت اصلاح و بدون تمایل به براندازی وجود دارد و افسانه‌ی براندازی برای بخش بزرگی از جامعه ریخته شده و باب گفتگو با مخالفان یا جریان‌های مختلف باز می‌شود. از سوی دیگر، افرادی که تاکنون بر طبل «نمی‌گذارند» می‌کوبیدند نیز متوجه مسیری اصولی و اثرگذار و بدون حاشیه‌سازی و هجمه‌ی اضافی برای اصلاح امور می‌شوند و همین توجه، باعث ایجاد انگیزه در دسته‌ی بزرگی از جامعه شده و به سوخت اجتماعی برای رفع بسیاری از مشکلاتی که به دست مردم قابل حل است تبدیل می‌شود. البته لازم به ذکر است که از این انرژی آزاد شده باید به صورت مناسب به نفع کلیت جامعه و انقلاب اسلامی استفاده شود که در بخش «اعتراض میدانی» بیشتر به آن پرداخته خواهد شد.



## ۱,۲ ملزومات اعتراض نخبگان:

### ۱,۲,۱ تعدیل براندازی‌هراسی

ترس از براندازی یکی از موانع مهم اصلاح نظام آزادی‌های سیاسی در کشور شده است. باید در قالب یک گفت‌وگو به کلیه مردم و نخبگان ثابت شود که «براندازی»، «فروپاشی» و تعابیر نزدیک به آن، مانع نظری و عملی «امکان اعتراض» نیست. یکی از دلایل جدی این مسئله عدم وجود آلترناتیو برای جمهوری اسلامی است و علاوه بر آن دشمنان نظام از اسرائیل و سعودی تا مجاهدین و سلطنت طلب‌ها بدنه ایدئولوژیک غالبی ندارند هرچند گوش‌های زیادی به تحرکات آن‌ها توجه دارد.

### ۱,۲,۲ ورود به فضای «عمومی»

اعتراض به مثابه یک آیین سیاسی حتی در قالب گفتگوی چالشی باید در جامعه دیده شده و طبیعی انگاشته شود. یک عادت‌واره در فضای جامعه ایران وجود دارد که هرگاه در فضای برنامه‌های صداوسیما، مهمانان برنامه، نقدهای تند و تیز مطرح می‌کنند، افکار عمومی اینگونه می‌اندیشد که عدم کنترل صداوسیما منجر به انتشار چنین برنامه‌ای شده و می‌گویند: «حتما این قسمت از دستشان در رفته که منتشر شده است.» این تصور باید در فضای عمومی شکسته شود.

مهمترین وجهی که باید برای اجتناب از توده‌ای شدن بحث رعایت نمود، رعایت ادب، منطق و استدلال منطقی و دوری جستن از احساساتی کردن گفتگو است. گفتگوها می‌تواند به صورت ضبیطی باشد تا نهادهای پخش کننده بتوانند در چارچوب مسائل اخلاقی و حقوقی از تمام مناظره دفاع کنند.

برای «عمومی» بودن یک گفتگو نیز باید توجه داشت که علاوه بر نکات فوق، قابلیت گفتگو و فهم برای دسته‌های مختلف اجتماعی وجود داشته باشد و تنها به یک یا دو طرز تفکر منحصر نشود. به بیان دیگر، گفتگویی عمومی است که در آن تنوع نقطه نظرات و جریانات اجتماعی و سیاسی لحاظ شود. با حذف چند جریان، شائبه مهندسی شدن این گفتگوها ایجاد شده و به کلی اثرگذاری آن از بین می‌رود حتی اگر تندترین و افراطی‌ترین نقدها هم بیان شود.

### ۱،۲،۳ پاسخگویی متقابل

احتمال بسیار زیادی وجود دارد که جریانات شکست خورده و امتحان پس داده در تاریخ جمهوری اسلامی، از این فضای باز شده سوء استفاده کرده و نسبت به کلیت مسیر طی شده در چهار دهه اخیر اشکال و ایراد وارد نمایند. در عین حال که نایستی باب گفتگو با برجسب زنی بی‌مورد بسته شود و گروه یا جریانی از گفتگو حذف شود، اما نباید فضا برای اتهام زنی بدون پاسخ‌گویی باز شود. نمایندگان هر جریان باید علاوه بر وارد نمودن ایرادها و اشکالات به مسیر طی شده، پاسخگوی ایرادات و اشکالات تجربه‌ی تاریخی جریان خود نیز باشند.

### ۱،۲،۴ آزادی پس از اعتراض

نهادهای امنیتی نیز باید با فضای گفتمان اعتراض امن همانگ باشند و آزادی پس از اعتراض را برای معترضان تامین نمایند. دستگیری و ممنوعیت بیان برای گروه‌های منتقد نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه در ابعاد بین‌المللی باعث ایجاد ذهنیت منفی نسبت به جمهوری اسلامی شده و در داخل نیز نیروهای اجتماعی مختلف را مستهلک و از ایجاد اثر مثبت در جامعه ناامید می‌کند.

## ۲. اعتراض رسانه‌ای

یکی از مهم‌ترین عوامل در جهت کنترل یا تشدید اعتراضات مردمی رسانه‌ها هستند. در این میان رسانه‌های جریان اصلی همچون صداوسیما و خبرگزاری‌های رسمی نقش تعیین‌کننده‌ای را بر عهده دارند. با توجه به شرایط موجود کشور و همچنین سیاست‌های بسته و ناکارآمد صداوسیما، ایران، نیاز است تا درباره ایجاد محیط اعتراضی

سیاست‌های دیگری را اتخاذ نمود. بر این اساس پیشنهادات به دو بخش تقسیم می‌شود. ۱- ایجاد محیط اعتراضی در رسانه ۲- نحوه پوشش رسانه‌ای اعتراضات در هنگام شورش.

## ۲,۱ ایجاد محیط اعتراضی

بر این اساس افکار عمومی باید احساس کند صدایش در رسانه‌های رسمی که از حاکمیت پیروی می‌کنند شنیده می‌شود. شنیده شدن اعتراض و تند شدن رسانه البته عوارضی خواهد داشت اما در کل در جهت حفظ آزادی بیان و در نظر گرفتن حق اعتراض در نظام جمهوری اسلامی دستاورد محسوب می‌شود. لذا پیشنهادهای این بخش ناظر به ایجاد محیط انتقادی و اعتراضی در صداوسیما می‌باشد. نکته بسیار مهم این است که باید به صورت دقیق و کاملاً هدفمند اعتراضات رسانه‌ای را اجرا نمود به عبارت دیگر رسانه باید برای هر هفته خود یک مسئله اعتراضی مورد بررسی قرار دهد تا از شلختگی و گم شدن مباحث جلوگیری شود. بر این اساس پیشنهادات زیر قابل تامل است:

### ۲,۱,۱ ساخت برنامه‌هایی با ژانر طنز انتقادی

ژانر طنز انتقادی یکی از ژانرهای محبوب و در عین حال موثر در تلویزیون‌های جهانی است که باعث می‌شود تا مردم انرژی خود را تخلیه نمایند و لاقلاً در قالب طنز بتوانند حرف خود را به مسئولین برسانند. طنز انتقادی یکی از موثرترین و بومی‌ترین فرم‌های اعتراضی در ایران محسوب می‌شود. به عنوان مثال برنامه دورهمی مهران مدیری با تمامی نواقص، اما ادبیات طنز و انتقادی مهران مدیری در بسیاری از مواقع توانسته است، صدای مردم باشد. این مسئله در نحوه گسترش پیام‌های مدیری در شبکه‌های اجتماعی قابل ردگیری می‌باشد. البته فرم کلی برنامه دورهمی به نحوی تلخ و سیاه بوده ولی در نهایت کارکردهای اعتراضی داشت. افزایش فرم‌های طنز و انتقادی متنوع و متکثر می‌تواند بسیار سودمند باشد. پیشنهاد می‌شود از گروه‌های هنری و حتی معترض به وضع موجود دعوت شود تا برنامه‌های طنز را بسازند.

### ۲,۱,۲ ساخت برنامه‌های گفتگویی

در این فرمت تا کنون برنامه‌های انتقادی کم و بیش موفق‌تری ساخته شده است اما دو نکته مهم در آن‌ها رعایت نشده است که می‌تواند از دلایل کمتر دیده شدن در سطح مخاطبین خاکستری نیز باشد.

جنس مهمانان به نحوی است که از صدای گروه‌های اجتماعی/سیاسی نمایندگی رسایی نمی‌کند در مواقعی نیز که طرف مقابل گفتگو اصلاً حضور ندارد. به خصوص حضور افراد مورد اطمینان دولت باید در دستور کار قرار گیرد. همچنین همانطور که معاونت سیما اخیراً در اقدامی سلبریتی‌های اینستاگرامی را به عرصه سیما آورده است در حوزه

خبر و معاونت سیاسی نیز به نظر استفاده از ظرفیت سلبریتی‌های سیاسی فضای مجازی می‌تواند قشری از مخاطبین را همراه کند.

دومین مشکل که بیشتر فنی و فرمی محسوب می‌شود ناظر به ساخت و تولید برنامه هاست. اساساً برنامه‌های گفتگو محور یک فرم تکراری و کلیشه‌ای محسوب می‌شود که سوژه‌های جذاب به همراه تکنیک‌های فنی جذاب از جمله استودیو، تدوین و پلن‌های مختلف از جمله جذابیت‌های بصری این برنامه‌ها است. همچنین حضور مخاطب در استودیو یکی از تکنیک‌های موفق در جذب مخاطب در چند سال اخیر بوده است. این تکنیک در برنامه‌های سیاسی محور و گفتگویی کمتر مورد استفاده قرار گرفته است.

برنامه‌های گفتگویی البته باید هدف‌مند باشد و چه بسا می‌شود در حوزه‌های مختلف افراد مختلف برای این کار استفاده کرد یعنی برخی موضوعات باید به صورت نخبگانی مورد نقد قرار گیرند.

یکی از نکات بسیار مهم در این زمینه آن است که در برنامه‌های گفتگو محور باید نقد دولت به صورت منطقی و علمی شکل بگیرد. راهبرد کلان در این بخش این است که این برنامه‌ها رفته رفته بتوانند در ذهن مخاطب عملکرد دولت را از عملکرد نظام جدا سازند تا راه گفتگو بیشتر باز شده و اثرمند واقع شود.

نوع ساختار شکنانه و پیشرو این نوع از برنامه‌ها باید در شبکه چهارم سیما تولید شود. شبکه‌ای که مخصوص نخبگان است و بیننده خاص دارد. همچنین قابلیت بیان حرف‌های رادیکال بیشتری را داشته و مهمانان خاص را نیز دعوت کرد. در این برنامه‌های گفتگویی لازم است تا از اندیشمندان با رویکرد چپ دعوت شود تا در یک گفتگوی حرفه‌ای تضارب آرا شکل بگیرد.

در این گفت و گوها نباید به چهره‌های رده دوم و سوم اکتفا نمود، بلکه باید چهره‌های اصلی جریانات فکری مختلف امکان حضور را داشته باشند تا مخاطب احساس کند اتفاق جدیدی در حال رقم خوردن است. همچنین در این برنامه‌ها باید امکان نقد به نظام در تمامی حوزه‌ها باید جایز باشد. در یک جمله برنامه‌هایی که از شبکه‌های نخبگانی همچون شبکه چهار پخش می‌شود باید بسیار آوانگارد و خط شکنانه باشد. بخشی از موفقیت برنامه‌ای مانند شیوه در در اعتراضات اخیر قرار گرفتن در چنین جایگاهی برای مخاطبان بود و تا حدی نیز نتیجه داشت.



### ۳. اعتراض میدانی

یکی از مهمترین و عمومی ترین نمودهای اعتراض را باید اعتراض میدانی و برگزاری تجمعات مردمی دانست. هرچند به این مساله بیش از آنکه به صورت فرصت محور مشاهده گردد با دیدی تهدیدمحور که زمینه ساز آشوب و ناامنی روانی در جامعه را فراهم می آورد نگریده می شود. در صورتی که احساس جامعه در نقطه مقابل آن قرار داد. از دو منظر شکل گیری اعتراض مستقیم فرصت است:

اول، رسیدن **صدای مردم** به صورت مستقیم و بدون واسطه به مسئولین و مطالبه مشکلات در صحن عمومی جامعه که زمینه سازی مطالبات برای حل مشکلات را فراهم می آورد.

دوم، نیز **تخلیه انرژی متراکم نارضایتی** در چهارچوب معین و در ساختار نظام جمهوری اسلامی است به نحوی که زمینه سوء استفاده های بیرونی برای این تخلیه از بین خواهد رفت.

سوم، مشاهده ی به اثر رسیدن صدای اعتراض، مردم را نسبت به بهبود اوضاع امیدوار کرده و این امیدواری به عنوان یک موتور محرک اجتماعی می تواند خود به کمک در اصلاح امور دخیل شود. اما در صورتی که اعتراضات بدون هیچ اثری به اتمام برسد، می تواند موجبات ناامیدی حتی بیشتر مردم را ایجاد کند.

بر همین اساس راهکار نه فرار از زمینه سازی این بستر اعتراض و نه برخورد های تند با معترضین است. پر واضح است که این تجمعات و اعتراضات با قید مسالت آمیز بودن مورد دفاع می باشد.

#### ۳،۱ سازماندهی کردن تجمعات

برای تحقق تجمعات ایمن با توجه به ملاحظات فراوان اعتراضات میدانی و تجمعات خیابانی، نه صرفاً مشخص کردن مکان های محدود و خنثی برای اعتراضات مورد نیاز است، بلکه باید مسئولیت پذیر کردن اجتماعات به واسطه **رهبر و جریان اصلی مسئول برگزاری تجمع اعتراضی** در دستور کار قرار بگیرد. در واقع آنچه دغدغه برگزاری اعتراض امن، چهارچوب مند، پیشران و مسئولیت پذیر اجتماعی سیاسی را فراهم می کند، واگذاری و عهده داری اعتراضات به افراد حقیقی-حقوقی و یا سازمانها، احزاب و تشکل های مردمی و سایر اشکال از حلقه های میانی است. بر همین مبنا اعطای مجوز به فرد یا مجموعه ای مورد اعتماد علاوه بر کنترل کردن تجمعات زمینه های پیگیری و شناسایی های لازم در ادامه را خواهد داشت. طبیعی است که این رهبران و بانیان نباید لزوماً از یک جناح و یا یک

طیف خاص باشند، تا زمینه برای حضور و نمایندگی حداکثری فراهم آید. طبیعی است که این اعتراض و اجازه بیان، شامل همه مسائل و دیدگاه‌ها در جامعه نمی‌گردد و اغلب مسائل اقتصادی و معیشتی را به همراه باید داشته باشد تا موضوعات اجتماعی و سیاسی.

### ۳،۲ مکان اعتراضات

اعتراضات طبیعتاً در مکانی مشخص رخ می‌دهد؛ لذا تدبیر ملاحظات مکانی برای اعتراضات امری لازم و ضروری است. همانطور که گفته شد، محدود کردن مکان تجمعات خطر نمایشی شدن و عدم اقبال مردم برای حضور و مشارکت را در پی دارد. حاکمیت باید با نگاهی مدبرانه و مصلحت‌اندیشانه در حوزه ملاحظات امنیتی و ترافیکی امکان برگزاری برای کلیه مکان‌های عمومی یعنی مقابل سازمان‌های رسمی نظیر مجلس و استانداری‌ها و شهرداری‌ها، همچنین میادین و مکان‌هایی از شهرها که خاصیتی نمادین دارند (مانند میدان فلسطین، میدان ولی عصر، مسجد بازار در تهران) فراهم آورد.

### ۳،۳ مجوزهای تجمعات

باید در حوزه تجمعات تسهیل در اخذ مجوز توسط دو دسته اشخاص (حقیقی) و مجموعه‌ها و سازمان‌های مردمی (حقوقی) محقق گردد. اشخاص حقیقی شامل فعالان سیاسی و اجتماعی و اقتصادی که مورد اعتماد و با صلاحیت می‌شود. در حوزه سازمان‌های حقوقی سه گروه از مجموعه‌های مردمی را میتوان در نظر داشت:

۱. تشکل‌های دانشجویی (بسیج دانشجویی، انجمن اسلامی، جنبش عدالتخواه و...): به عنوان پیشروترین و مطمئن‌ترین مجموعه مردمی که مطالبات مردمی را پیگیری می‌کنند.

۲. مجموعه‌های مردمی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

۳. اصناف و گروه‌های کارگری.

### نکته ی پایانی

در این یادداشت تلاش شد با بررسی مسئله‌ی نارضایتی و اعتراض عمومی پیشنهادهایی جهت مدیریت اعتراضات عمومی در کشور ارائه شود. اگرچه این پیشنهادات با جرح و تعدیل‌هایی به خصوص در عرصه عمل همراه است، اما اصل به رسمیت شناختن اعتراض و لزوم راهبری و مدیریت آن توسط حاکمیت خدشه‌ناپذیر است. چراکه در صورت

عدم پذیرش این واقعیت، هر اعتراضی بر دامنه‌های اعتراض‌های قبلی انباشته می‌شود و پیامدها و نتایج زیان‌بارتری برای کشور ایجاد می‌کند. پدیده‌ای که در اعتراضات ۱۴۰۱ نیز قابل ردیابی است. اگرچه فوت مرحومه مهسا امینی بهانه‌ی اولیه اعتراضات را ایجاد کرد اما ماهیت این اعتراضات قابل تقلیل به آن اتفاق نیست و نقش نارضایتی‌های پیشینی و اعتراض‌های انباشت شده در ذهنیت عمومی در شکل دادن به زمینه‌ی اعتراضات بسیار حائز اهمیت است.